



دکتر تیم اندرسون، کارشناس ارشد استرالیایی
در گفت و گوی تفصیلی با بیت المقدس:
ایران هسته تمدنی حرکت
جدید مقاومت در غرب
آسیاست

۴

بیت المقدس

فِي الْحَرَامِ الْمَشْرِقِيِّ قِتَالٌ

سختگوی جنبش مقاومت اسلامی
«حماس» در گفت و گویا «بیت المقدس»:
«معامله قرن» حاصل
«تبادل منافع» میان ترامپ
و نتانیاهو است



۳

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۷۵ ▶ سه شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۸ ▶ ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۴۱ ▶ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۹

در رثای مغز متفکر تسلیحاتی حزب الله لبنان،

شهید «حسان للقیس» ۶

رستگاری در نیمه شب





حکم عجیب دادگاه کویتی علیه روحانی برجسته شیعه

دادگاه فرجام خواهی کویت حکم قطعی حبس حجت الاسلام والمسلمین شیخ «حسین المعتوق» عالم بارز شیعه کویت را صادر کرد. به موجب این حکم عجیب، مدت حبس قطعی شیخ المعتوق پنج سال است. بر اساس ادعای دادگاه کویت، وی متهم به «جاسوسی برای ایران» است و این اقدام اضرار به منافع سیاسی و مصالح اجتماعی کویت تشخیص داده شده است. در این حکم، وی به همراه یک شخص دیگر که نام و هویت وی ذکر نشده، به تحمل پنج سال حبس قطعی محکوم شده‌اند. لازم به ذکر است حجت الاسلام المعتوق از اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، دبیر کل ائتلاف اسلامی ملی کویت و از اساتید درس خارج حوزه های علمیه می باشد.

گزارشی از گنج ارز شمنندی که صهیونیست ها به مقاومت فلسطین هدیه دادند

نبرد پنهان سایه ها



پس از عملیات «لبه شمشیر» از به دست آوردن یک گنج اطلاعاتی بزرگ سخن گفت اما از بیان جزئیات آن خودداری کرد تا به صورت یک راز باقی بماند. در روزهای گذشته شبکه الجزیره به بهانه اولین سالگرد عملیات لبه شمشیر با پخش مستندی به نام «۴۰ دقیقه» گوشه‌ای از این گنج اطلاعاتی در اختیار مقاومت را برای جهانیان نشان داد، گردانهای شهید عزالدین قسام در این مستند اعلام کرد که تجهیزات اطلاعاتی و عملیاتی گرانهایی از طریق یکی از جاسوسان صهیونیست و در پوشش یک سازمان حقوق بشری وارد نوار غزه شده و در مکانی امن دفن شده بود تا بعداً مورد استفاده قرار بگیرد که با تلاش های امنیتی گردان های قسام تمامی این تجهیزات شامل تجهیزات ارتباطی، ابزار انجام عملیات ترور و اجرای حفاری، سالم به غنیمت گرفته شده و می توان به نوعی گفت که مشت سری ترین و کار آرموده ترین یگان ارتش صهیونیستی برای نیروهای مقاومت باز شده و نیروهای مقاومت اکنون به خوبی توانایی کشف و مقابله با حقه های امنیتی صهیونیست ها را به دست آورده اند.

خانواده هستند که می خواهند برای عبادت یکی از بستگان خود به یکی از بیمارستان های نوار غزه بروند و از همین جا بود که شک بر که و نیروهای گردان های قسام به ماجرا بیشتر می شود چون آنها درست در مسیر برعکس در حال حرکت بودند و اصولاً در نوار غزه کسی راه را گم نمی کند. هر چند افراد این گروه سعی می کنند روایتی یک دست از دلیل حضور خود در آن منطقه ارائه دهند اما بر فشار بازجویی تناقضات زیادی را بروز دادند که باعث شد نیروهای مقاومت کاملاً مطمئن شوند که این اشخاص اهداف پنهانی دارند و پس از بازجویی تقریباً ۴۰ دقیقه ای از سرنشینان تصمیم به انتقال آنها به یکی از پایگاه های قسام و ادامه تحقیقات به صورت گسترده تر می گیرند. در این لحظه بود که یکی از سرنشینان اقدام به تیراندازی به سوی

گریم ها بسیار استادانه اجرا شده بود و تسلط کامل بر زبان و لهجه مردم غزه اجرای این عملیات را به نوعی آسان می کرد

نورالدین بر که می کند که در نتیجه او و یکی از رزمندگان مقاومت در دم به شهادت می رسند و فرمانده افسران نخبه صهیونیست هم در تبادل آتش به هلاکت می رسد، پس از این اتفاق سرنشینان ون با پیوستن به ماشین دوم که در نزدیکی آنها نظاره گر اتفاقات بود فرار را برقرار تر جیح دادند. پس از محاصره دو خودرو در مناطق بیابانی شرق غزه توسط رزمندگان مقاومت، درگیری سنگین زیر آتش جنگنده های صهیونیست میان دو طرف آغاز شده و چیزی نمانده بود که صهیونیست ها به دست رزمندگان مقاومت یا به هلاکت رسیده یا به اسارت در بیابانها در یک اقدام ویژه توانستند با عملیات هلی برن از منطقه خارج شوند ولی فرار با عجله آنها باعث شد که تجهیزات اطلاعاتی گرانهایی را برای مقاومت به جا بگذارند.

گنج اطلاعاتی مقاومت

گرچه تیم اطلاعاتی صهیونیست ها موفق به فرار از آتش سنگین مقاومت شد اما باقی ماندن تجهیزات فنی و اطلاعاتی همراه آنها برای مقاومت به قدری با ارزش بود که سخنگوی گردان های قسام چند روز

شامگاه ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۷ شب سنگین و سختی برای سران امنیتی رژیم صهیونیستی بود چرا که یکی از ماهرانه ترین نقشه های آنها با صرف هزینه های گزاف در عرض کمتر از ۲ ساعت لورفته و هیبت پوشالین دم و دستگاہ امنیتی این رژیم بیش از پیش زیر پو تین فرزندان مقاومت لگدمال شد. امادر آن شب طولانی چه گذشت؟

داستان یک نفوذ

حوالی ساعت ۶ عصر به وقت فلسطین دو دستگاہ خودرو غیر نظامی از جاده شهرک کبسوفیم در شرق نوار غزه به استفاده از شرایط بد جوی و نبود دید کافی توانستند خود را از مناطق اشغالی به داخل نوار غزه برسانند. این دو خودرو حامل افسران زنده سری ترین یگان ارتش رژیم صهیونیستی موسوم به «سرت متکال» بودند که به قصد اجرای یک عملیات امنیتی بسیار مهم خود را به داخل نوار غزه رساندند. هر دو خودرو به جدیدترین و محرمانه ترین سیستم های امنیتی و ارتباطی مجهز شده و برای هر گونه عملیات ضربتی نیز مسلح شده بودند. اوضاع در داخل نوار غزه بر وفق مراد دو گروه نفوذی بود، گریم ها بسیار استادانه اجرا شده بود و تسلط کامل بر زبان و لهجه مردم غزه اجرای این عملیات را به نوعی آسان می کرد اما اتفاقاتی در انتظار این افسران به ظاهر نخبه بود که دقیق ترین سیستم اطلاعاتی هم توان مقابله با آن را نداشت. نفوذی ها پس از چند دور گردش در نوار غزه و در مسیر حرکت به سمت منطقه خان یونس، ناگهان از کنار منزل یکی از فرماندهان میدانی گردان های قسام به نام «نورالدین بر که» می گذرند، فرمانده

پس از رویت یک عدد ماشین ون آبی رنگ و مشاهده پیاده شدن تعدادی از آنها بررسی رفتار و ظاهر آنها به مسئله مشکوک می شود. فرمانده با خبر کردن یارانش و همچنین اطلاع دادن موضوع به مسئول امنیتی گردانهای قسام حاضر در منطقه، تصمیم به دنبال کردن ون می گیرد، به دستور فرمانده یکی از رزمندگان مقاومت جلوی خودرو را گرفته و از آنها می پرسد مشغول چه کاری هستند؟ یکی از افراد داخل ون که بعداً مشخص شد فرمانده آنها بوده می گوید که می خواهند به عبادت یکی از بستگان نشان بروند، اما فرمانده از این پاسخ قانع نشده و تصمیم می گیرد شخصاً وارد عمل شود و تحقیقات بیشتری را به عمل آورد، وی با سبقت از خودرو راه را بر آنها بسته و خودرو را متوقف می کند. پس از توقف خودرو و نیروهای امنیتی گردانهای قسام با پیاده کردن سرنشینان خودرو، تلفن های همراه و کارت شناسایی همه را ضبط کردند و نورالدین بر که شخصاً ون را بازرسی کرده و تک تک سرنشینان را مورد بازجویی قرار می دهد. نفوذی ها ادعا می کنند که همگی از افراد یک

سخن نخست

لزوم همگرایی منطقه ای درون زا

محمد مهدی رحیمی



منطقه غرب آسیا که به درستی از جانب برخی از استراتژیست ها و کارشناسان حوزه ژئوپولیتیک به عنوان «قلب زمین» معرفی شده، گویا قرار نیست که روی آرامش به خود ببیند و هر روز و هر موسمی به طریقی بخشی از این منطقه دستخوش بحران های عمدتاً وارداتی می شود. نگاهی به آنچه که در دو ماه گذشته در کشورهای اثر گذار منطقه غرب آسیا رخ داده است این مساله را بیشتر آشکار می کند. لبنان از حدود دو ماه پیش درگیر تظاهرات خیابانی بود که در نهایت منجر به استعفای نخست وزیر و سرنگونی دولت شد و اکنون عروس خاورمیانه عملاً در شرایط سختی به سر می برد اگر چه از حجم اعتراضات کاسته شده است. در عراق اعتراضات علیرغم فراز و فرودهایی که داشت در نهایت منجر به سرنگونی دولت عادل عبدالمهدی شد، نخست وزیر که کمی بیش از یک سال از عمر دولتش می گذشت مشابه این شرایط بی ثبات رادریبی، الجزایر و مصر هم می توان شاهد بود. در همین چهار چوب تلاش های جدی برای ناامنی و ایجاد و توسعه بی ثباتی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان کلون اثر گذار منطقه غرب آسیا هم صورت گرفت. اگر چه در مدت کوتاهی این ناآرامی ها جمع شد اما از نظر پراکندگی، حجم تخریب و میزان خسار تعاقب قابل توجه بود. این نگرانی جدی نسبت به آینده سوریه نیز وجود دارد و گمانه هایی وجود دارد که شام رهیده از جنگ تروریسم تکفیری و سرسپندان نبرد با داعش، در حالی که به سمت یک ثبات نسبی می رود ممکن است در آینده نزدیک با موجی از اعتراضات معیشتی مردم به دولت و تلاش برای سست کردن پایه های حکومت مواجه شود.

اگر چه در عمده بحران های فوق الذکر به ویژه آنچه در عراق و لبنان شاهد آن هستیم زمینه هایی از نارضایتی ها عمومی بواسطه ناکارآمدی دولت وجود دارد اما هیچ کارشناس منصفی که سیر تحولات منطقه غرب آسیا را دنبال و رصد می کند با این گزاره مخالف نیست که طراحان فرامنطقه ای در پشت پرده این حوادث، ضربت دادن، جهت دادن و برجسته کردن آن هستند و حتماً آن ها به دنبال آند که با موج سواری بر بسترهای موجود، از آب گل آلود ماهی خود را بگیرند و ماهی چیزی نیست جز تضعیف گفتمان مقاومت و رویکرد ضد استکباری، که سایه خودش را بر بخش های مختلفی از منطقه غرب آسیا به طور جدی گسترانیده است. البته این نخستین بار نیست که قدرت های فرامنطقه ای و دولت های استکباری و استعماری برای منطقه ما بحران آفرینی می کنند. همانطور که در ابتدای این مقاله گفته شد اینجاقلب زمین است و طبیعتاً هر کسی که می خواهد بر این کره خاکی حکومت کند حتماً باید قلب آن را به تصرف خود در آورد. نقشه های خاورمیانه بزرگ و مسائلی از این دست همه طراح های برای تسلط بر این قلب ارزشمنند زمین بود که تاکنون عایدی متناسب با هزینه آن داشته است بیراه نیست که گفته شود بحران آفرینی اخیر و تلاشی که به دنبال سرنگونی دولت های برخاسته از رای مردم است (مانند آنچه که در سوریه و لبنان منجر به استعفای نخست وزیر شد) را باید تیر آخر کمان استکبار دانست. بعد از ناکامی در اجرای ایده هایی چون خاورمیانه بزرگ، خلع سلاح مقاومت، تروریستی اعلام کردن گروه های جهادی و پس از آن تقویت گروه های تکفیری و شعلهور کردن آتش نبردهای داخلی مسلمانان، اکنون مستکبرین عالم به دنبال شوراندن مردم علیه نهادهای منتخب خودشان به بهانه ناکارآمدی و توقع معیشتی هستند. اگر چه به اقتضای ساختار و بافت این کشورها، رهبران و مراجع دینی و زعمای گروه های سیاسی، مورد اقبال و پذیرش مردم بوده و به همین سبب تاکنون نقش موثری را در به نتیجه نرسیدن توطئه های خارجی در کشورهای فوق الذکر داشته اند، اما نباید از تأثیر «سازو کارهای منطقه ای» و زمینه هایی که برای «همگرایی کشورهای منطقه» فارغ از قدرت های بیرونی وجود دارد، غافل شد. به نظر می رسد که عمده کشورهای منطقه غرب آسیا به ویژه کشورهای موثرتری همچون ایران، ترکیه، مصر و عراق که خود زخم خورده توطئه قدرت های استعماری در همین سال های اخیر هم بوده اند، باید کنار هم بنشینند و با تکیه بر قدرت درون زا که در گام نخست در داخل کشورهای آنها وجود دارد و بعد هم در منطقه شان فراهم هست، اتکا و نگاه خود به خارج از منطقه را کاملاً از بین ببرند و به عنوان یک محور واحد و متحد در مقابل بحران های القائی آن ها قدام علم کنند؛ این تضمین کننده آینده منطقه استراتژیک غرب آسیا است.

قبله اول

رامین حسین آبادیان

«فوزی بر هوم» سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی «حماس» در گفت‌وگو با «بیت المقدس»:

«معامله قرن» حاصل «تبادل منافع» میان ترامپ و نتانیاهو است



قصد دارند به پشتوانه حمایت ایالات متحده آن را به فلسطینیان تحمیل کنند. «معامله قرن» در واقع طرحی است که در نتیجه یک «تبادل منافع و مصالح» شکل گرفته است؛ بدین ترتیب که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به شدت به لابی صهیونیستی در ایالات متحده برای تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری در انتخابات ۲۰۲۰ نیازمند است و از همین روی، می‌بایست به منظور جلب نظر و حمایت لابی صهیونیستی، امتیازات لازم را به تل آویو بدهد. معامله قرن یکی از این امتیازات بزرگ است. پیشتر نیز امتیازاتی توسط ترامپ به صهیونیست‌ها داده شد که از جمله آن‌ها می‌توان به انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس اشغالی اشاره کرد. اخیراً نیز ترامپ شهرک‌سازی هادر کرانه باختری را قانونی شمرد تا امتیاز جدیدی به تل آویو داده باشد. هیچ‌یک از این حمایت‌های بی‌شرمانه نمی‌تواند واقعیت‌های موجود را تغییر دهد و برای صهیونیست‌ها نتیجه‌بخش باشد. حقوق یک ملت چیزی نیست که با مواضع سیاسی دستخوش تغییر شده و نابود شود.

به عنوان آخرین سؤال، وضعیت «آشتی ملی» میان گروه‌های مختلف فلسطینی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ آیا تشکیلات خودگردان فلسطین همچنان به کارشکنی هادر این مسیر ادامه می‌دهد و یا عزم جدی برای تحقق آشتی ملی از خود نشان داده است؟

در خصوص مسأله «آشتی ملی» باید بگویم که جنبش «حماس» از سالیان گذشته تاکنون طرح‌های متعددی را به منظور تحقق این مهم ارائه کرده است اما هیچ‌یک از این طرح‌ها به دلیل دخالت‌های خارجی به نتیجه مطلوب نرسیدند. اکنون نیز جنبش حماس برای انجام هر نوع گفتگو و مذاکره‌ای جهت تحقق «آشتی ملی» از خود انعطاف زیادی نشان می‌دهد. هم‌اکنون نیز تلاش‌ها از سوی حماس در این راستا ادامه دارد اما تحقق این مهم مستلزم شروطی است که از جمله آن‌ها توقف بازداشت‌های سیاسی در کرانه باختری توسط دستگاه امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین است. از جمله دیگر شروط، توقف همکاری‌های امنیتی میان تشکیلات خودگردان و اسرائیل، تضمین موفقیت انتخابات، تضمین احترام به نتایج انتخابات و تضمین احترام به قوانین است.

فتنه‌انگیزی میان فلسطینیان به کار بسته‌اند. هدف اصلی و اساسی از این پروژه شوم، ایجاد انشقاق در میان فلسطینیان و به تبع آن، نابودی گروه‌های مقاومت فلسطین است؛ هدفی که البته محقق نخواهد شد. تمامی گروه‌های مقاومت از جمله «حماس» و «جهاد اسلامی» در عالی‌ترین سطوح با یکدیگر هماهنگ هستند و تمامی تصمیماتشان را در اتاق مشترک اتخاذ می‌کنند. هماهنگی‌های میان گروه‌های مختلف مقاومت در سطوح رسانه‌ای، سیاسی، امنیتی و نظامی همواره برقرار بوده و هست. این هماهنگی‌ها و هم‌افزایی‌ها به ویژه میان «حماس» و «جهاد اسلامی» بیش از پیش به چشم می‌خورد. شاخه‌های نظامی هر دو جنبش نیز در تعامل تنگاتنگ با یکدیگر هستند.

طبیعی است که رسانه‌های رژیم صهیونیستی از کوچکترین فرصت‌ها برای ایجاد بزرگترین شکاف‌ها در صفوف فلسطینیان و به ویژه میان «حماس» و «جهاد اسلامی» بهره‌برداری می‌کنند. اما با تمامی این‌ها، گروه‌های مقاومت از چنین توطئه‌هایی به خوبی آگاهی دارند و هیچ‌گاه در دام آن‌ها گرفتار نخواهند شد. همگرایی گروه‌های مقاومت با یکدیگر در قالب پاسخگویی به جنایت اخیر صهیونیست‌ها علیه فرمانده مقاومت، نمود پیدا کرد. این مسأله را نیز در نظر بگیرید که پس از هر تجاوزگری جدید رژیم صهیونیستی به نوار غزه، وحدت و همبستگی میان فلسطینیان به‌طور عام و گروه‌های مقاومت فلسطین به‌طور خاص، تقویت می‌شود. به ضرس قاطع اعلام می‌کنم که در هیچ دوره‌ای همچون مرحله کنونی سطح هماهنگی‌ها میان «حماس» و «جهاد اسلامی» به این صورت بالا نبوده است.

آمریکا و رژیم صهیونیستی همچنان به تلاش‌های خود برای رونمایی از طرح موسوم به «معامله قرن» ادامه می‌دهند. این در حالی است که رونمایی از این طرح تاکنون بارها به دلایل مختلف به تعویق افتاده است. آیا می‌توان طرح «معامله قرن» را محکوم به شکست تلقی کرد؟

اشغالگران صهیونیست در حال حاضر از حمایت‌های ایالات متحده آمریکا برای ارتکاب جنایت‌های بیشتر در منطقه و فلسطین بهره‌برداری می‌کنند. «معامله قرن» نیز یکی از اقدامات خصمانه است که صهیونیست‌ها

دبیر کل اتحادیه عرب تاکید کرد که عدم حل مسئله فلسطین، دلیل اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه است. احمد ابو الغیط دبیر کل اتحادیه عرب در سخنانی در رم اظهار داشت که ادامه اشغالگری رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطین، خشم ملت‌های عربی را در پی داشته و همین مسئله بر ثبات، امنیت و فرصت‌های اقتصادی و همکاری مشترک تأثیر گذار بوده است. این سخنان در حالی از جانب دبیر کل اتحادیه عرب مطرح می‌شود که سران برخی از رژیم‌های عربی تلاش ویژه‌ای برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیست هادر پیش گرفته‌اند.



مقاومت برای واکنش به هرگونه تجاوزگری، باز کرده‌اند. درست به همین دلیل است که صهیونیست‌ها در جنگ اخیر علیه نوار غزه نیز مجبور شدند تجاوزگری علیه غیرنظامیان در غزه را متوقف سازند. سران تل آویو به خوبی می‌دانستند که در صورت تداوم قتل و تجاوزگری در غزه چه واکنشی از سوی مقاومت در انتظار آن‌ها خواهد بود. لذا آن‌ها به منظور ممانعت از متحمل شدن خسارت‌های بیشتر چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر شروط گروه‌های مقاومت در مسأله برقراری آتش‌بس نداشتند. ضمن اینکه ضرباتی که صهیونیست‌ها متحمل شدند، جایگاه مقامت کنونی‌شان در هرگونه انتخابات آتی در اراضی اشغالی را تنزل بخشید و به همین دلیل تلاش کردند تا زودتر جنگ را متوقف کنند.

مقامات رژیم صهیونیستی اعلام کرده‌اند که به «سیاست ترور» در قبال رهبران مقاومت و فرماندهان شاخه‌های نظامی گروه‌های مقاومت در نوار غزه ادامه می‌دهند. به نظر شما این سیاست خصمانه می‌تواند دستاوردی برای تل آویو به دنبال داشته باشد؟

درست است که اشغالگران صهیونیست تاکنون موفق شده‌اند برخی فرماندهان مقاومت اسلامی در غزه را ترور کرده و به شهادت برسانند اما آن‌ها هیچ‌گاه نتوانستند خود «مقاومت» را ترور کرده و به آن ضربه وارد سازند. لذا حتی در صورت ادامه سیاست «ترور» توسط اشغالگران صهیونیست، پروژه «مقاومت» همچنان تا زمان آزادی و جب به وجب اراضی اشغال شده فلسطین ادامه پیدا خواهد کرد. این حق ملت ماست و قوانین بین‌المللی هم حق دفاع از خاک هر کشوری را برای مردم آن کشور محفوظ داشته‌اند. اما ذکر این نکته نیز ضروری است که رژیم صهیونیستی تمامی پیامدهای وخیم ناشی از تداوم «سیاست ترور» در برابر فرماندهان مقاومت را متحمل خواهد شد؛ کمالینکه در حادثه ترور «بهاء ابوالعطاء» سران رژیم صهیونیستی به خوبی دیدند که مقاومت چگونه با موشک‌باران مواضع این رژیم، به‌این جنایت بزدانه پاسخ داد. لذا از دیدگاه ما «سیاست ترور» یک سیاست خطرناک است و به همین دلیل اجازه نخواهیم داد تل آویو از طریق آن معادله جدیدی را به مقاومت در غزه تحمیل کند. بدون شک، در صورت تداوم سیاست مذکور، گروه‌های مقاومت با اتخاذ بهترین تصمیم، معادلات صهیونیست‌ها را در هم خواهند شکست.



رژیم صهیونیستی طبق سنت همه‌ساله خود اخیراً نیز جنگی کوتاه مدت را به نوار غزه و گروه‌های مقاومت فلسطین تحمیل کرد. به دنبال حملات ددمنشانه صهیونیست‌ها به نوار غزه بیش از ۳۰ فلسطینی از جمله شماری زن و کودک به شهادت رسیده و ده‌ها تن دیگر به شدت زخمی شدند. این جنگ چند روز به اقدام صهیونیست‌ها در ترور «بهاء ابوالعطاء» از فرماندهان شاخه نظامی جنبش «جهاد اسلامی» کلید خورد. با این حال، گروه‌های مقاومت در طول این جنگ ضمن موشک‌باران مواضع مختلف رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی، موفق شدند سران این رژیم را به پذیرش توافق آتش‌بس بر اساس شروط مقاومت، وادار کنند؛ مسأله‌ای که ضعف مفروض صهیونیست‌ها در برابر مقاومت را برای همگان به نمایش گذاشت. در همین ارتباط خبر نگار «بیت المقدس» گفت‌وگویی را با «فوزی بر هوم» سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی «حماس» در فلسطین ترتیب داده که مشروح آن به شرح ذیل است.

اخیراً شاهد آن بودیم که رژیم صهیونیستی زبر بار توافق آتش‌بس با گروه‌های مقاومت رفت. نکته حائز اهمیت در این خصوص این بود که این توافق بر اساس شروط مقاومت حاصل شد. چه چیزی موجب شد صهیونیست‌ها در جنگ اخیر غزه شکست را بپذیرند؟

تجربه در طول سال‌های گذشته نشان داده که اشغالگران همواره خود اقدام به آغاز جنگ می‌کنند و با گذشت مدتی، از مقاومت در برابر حملات گروه‌های فلسطینی در

در هیچ دوره‌ای همچون مرحله کنونی سطح هماهنگی‌ها میان «حماس» و «جهاد اسلامی» به این صورت بالا نبوده است

اخیراً روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارائوت» با انتشار گزارشی مدعی شد که میان جنبش‌های مقاومت اسلامی «حماس» و «جهاد اسلامی» اختلاف وجود دارد. دیدگاه شما در خصوص این مسأله چیست؟

این سیاست همیشگی رژیم صهیونیستی بوده است که میان فرزند یک امت واحد فتنه‌انگیزی کند. آن‌ها این سیاست را در سطح منطقه نیز دنبال و برای اختلاف‌افکنی میان کشورهای مختلف منطقه تلاش می‌کنند. در فلسطین نیز صهیونیست‌ها همواره تلاش خود را برای

همان جنگی که خود آغاز کردند، عاجز می‌مانند. نه تنها در جنگ اخیر غزه بلکه در سلسله جنگ‌های چند سال گذشته نیز رژیم صهیونیستی همواره مجبور به پذیرش طرح آتش‌بس در نوار غزه شده است. در طول تمامی این جنگ‌ها معادلات بسیاری به دشمن صهیونیستی تحمیل شده است. در واقع هدف قرار گرفتن عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی توسط مقاومت، موجب شده است تا این رژیم همواره نتواند از ادامه جنگ در غزه باشد. لذا اکنون به ضرس قاطع می‌توان گفت که حتی خود صهیونیست‌ها نیز حساب و ویژه‌ای روی قدرت



حماس: ۵ کشور برای مبادله اسرا با رژیم صهیونیستی واسطه شده‌اند
یکی از رهبران بارز جنبش مقاومت اسلامی حماس فاش کرد که دست کم ۵ کشور تاکنون برای انجام مبادله اسرا میان مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی واسطه شده‌اند. موسی دودین اظهار داشت که شماری از کشورهای عربی و غربی برای امضای مبادله اسرا میان گردان‌های قسام و رژیم صهیونیستی واسطه شدند که آخرین آن‌ها به مدتی قبل بازمی‌گردد.
دودین تصریح کرد که در راس این کشورها مصر قرار دارد که در این راستا تلاش زیادی کرده است و کشورهای قطر، ترکیه، سوئد و آلمان نیز تحرکاتی به این منظور انجام داده‌اند.

دکتر تیم اندرسون، کارشناس ارشد استرالیایی، در گفت‌وگوی تفصیلی با بیت المقدس:

ایران هسته تمدنی حرکت جدید مقاومت در غرب آسیا است



با سیاست‌های آن‌ها در این منطقه ماهیتی مشابه دارند. اما در خصوص کتاب محور مقاومت، در واقع می‌توان آن را در راستای کتاب پیشین دانست. البته با این تفاوت که در این اثر کشورهای دیگری را نیز مورد تحلیل قرار داده‌ام و در قالب اقتصاد سیاسی به بررسی سیاست‌های قدرت‌های امپریالیستی در حمایت از رژیم‌های غیردموکراتیک و سرکوب حرکت‌های مقاومت پرداخته‌ام. این کتاب حاصل مطالعات تجربی و در قالب ادبیات پسااستعماری نگاشته شده است. در واقع پس از بازگو کردن داستان سوریه در کتاب پیشین، این کتاب تلاش می‌کند تا جنگ ترکیبی قدرت‌های غربی

ترجمه و منتشر شد. جالب اینکه این کتاب بیشتر به زبان‌های اروپایی ترجمه شد. در واقع در کتاب جنگ کثیف در سوریه، تلاش کردم روایت واقعی از آنچه در سوریه می‌گذرد را در اختیار مردم و به‌ویژه جوانان غربی قرار دهم. متأسفانه آن‌ها به شدت تحت تأثیر روایتی یک‌طرفه از سوی رسانه‌های جریان اصلی سرمایه‌داری بوده‌اند.
پیش از ورود به مباحث غرب آسیا، بر روی مسائل آمریکای لاتین متمرکز بودم و به همین دلیل هم به زبان اسپانیایی مسلط هستم. در واقع واژه «جنگ کثیف» را هم از کودتاهای دهه‌های میانی قرن بیستم

به منظور بررسی ضرورت و چگونگی دستیابی به همگرایی در منطقه غرب آسیا است.
این نویسنده استرالیایی که به تازگی به همراه برخی از چهره‌های دانشگاهی «مرکز پژوهش‌های ضد هژمونیک» راه‌اندازی کرده‌اند، در گفت‌وگوی تفصیلی خود با بیت المقدس به محورهای متعددی از جمله موضوع کتاب محور مقاومت و اهداف و ضرورت نگارش آن، روند همگرایی در غرب آسیا و نقش جمهوری اسلامی در این روند پرداخت.
در ادامه متن کامل گفت‌وگو تقدیم می‌شود:



«دکتر تیم اندرسون» نویسنده و استاد سابق دانشگاه سیدنی استرالیاست. او دارای آثار مختلفی در حوزه اقتصاد سیاسی در آمریکای لاتین و غرب آسیاست. اندرسون که سابقه حضور میدانی در کشورهای غرب آسیا را دارد تاکنون دوبار به ایران سفر کرده است. نخستین کتاب او در خصوص تحولات غرب آسیا، «جنگ کثیف در سوریه» بود که به ۱۰ زبان ترجمه شد و خشم رسانه‌های حامی صهیونیسم را برانگیخت. چندی پس از انتشار این کتاب و سایر فعالیت‌هایش در مورد محور مقاومت و آنچه خود آن را «روایت‌گری غیر امپریالیستی» می‌نامد، از دانشگاه سیدنی اخراج شد. کتاب اخیر او نیز به تحولات غرب آسیا می‌پردازد و به تازگی با عنوان «محور مقاومت: به سوی غرب آسیایی مستقل» منتشر شده است. این کتاب، در واقع تلاشی

ثبات در غرب آسیا که می‌تواند نتیجه همگرایی میان کشورهای این منطقه باشد و خود باعث همگرایی در سطح کلان تری شود، کابوسی برای ایالات متحده است که تلاش می‌کند محقق نشود

را که متشکل از جنگ رسانه‌ای، پروپاگاندا، تحریم و خشونت اقتصادی و البته جنگ‌های نیابتی را به تصویر بکشد. به عنوان مثال در فصلی از کتاب به آینده فلسطین و در فصلی دیگری حزب الله را بررسی می‌کنم و یاد فصلی ذیل بحث ایران، به این موضوع می‌پردازم که ایران چرا تا این حد اهمیت دارد.

ضرورت تحقیق حاضر چه بود؟ چه اهدافی از نگارش کتاب محور مقاومت داشتید؟

در این منطقه اتخاذ کردم. کودتاهایی که جنگی کثیف بودند و از سوی سرویس‌های جاسوسی قدرت‌های امپریالیستی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، حمایت می‌شد و از طریق این کودتاها تلاش می‌کردند تا دیکتاتورهای دست‌نشانده را بر منابع این کشورها حاکم کنند. به هر حال به علت این پیشینه، وقتی به مطالعه غرب آسیا می‌پردازم برایم بسیار جالب توجه است که خیلی از سیاست‌های کشورهای امپریالیستی در آمریکای لاتین

❖ **اخیراً کتاب شما با عنوان «محور مقاومت: به سوی غرب آسیایی مستقل» منتشر شد. این کتاب قرار است به چه موضوعی بپردازد؟**
کتاب اخیر بر روی جنبه‌های اقتصادی اقتصاد مقاومتی و همگرایی منطقه‌ای تمرکز دارد. به عبارتی سؤال اصلی در این کتاب به بررسی این موضوع می‌پردازد که بعد از ناکامی برجام، آیا «اقتصاد مقاومتی» یک ابتکار کاملاً دفاعی است و یا اینکه می‌تواند به عنوان فرصتی جدی و جدیدی در منطقه و برای کشورهای منطقه مطرح شود. البته وقتی صحبت از همگرایی منطقه‌ای در غرب آسیا می‌شود نباید نقش و مسئولیت‌سنگین و تأثیرگذار ایران را نادیده انگاشت.

❖ **رابطه میان کتاب پیشین، یعنی «جنگ کثیف در سوریه» با کتاب حاضر چیست؟**
بله دو سال پیش بود که کتاب «جنگ کثیف در سوریه» را نوشتم و خوشبختانه به ۱۰ زبان، از جمله فارسی

قلب زمین



در طول سال‌های اخیر فهم مردم در غرب افزایش یافته است. به عبارتی دیگر، قوه تحلیل انتقادی آن‌ها تقویت شده است

نتایج فاجعه باری برای ایالات متحده داشته باشد. لذا آمریکا که در حال از دست دادن تدریجی قدرت خود است تلاش دارد تا به طرق مختلفی مانع از این همگرایی میان بلوکی شود. غرب آسیا نقش مهمی در این بازی ایفا می‌کند؛ لذا ایالات متحده تلاش می‌کند تا از طریق جنگ ترکیبی، سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، جنگ‌های نیابتی و جنگ اقتصادی مانع از ثبات این حلقه پازل شود. ثبات در غرب آسیا که می‌تواند نتیجه همگرایی میان کشورهای این منطقه باشد و خود باعث همگرایی در سطح کلان تری شود، کابوسی برای ایالات متحده است که تلاش می‌کند محقق نشود.

با توجه به صحبت‌ها یثان در خصوص علاقه پژوهشی به حوزه آمریکای لاتین، روند همگرایی در این منطقه را در مقایسه با غرب آسیا چگونه تحلیل می‌کنید؟

اگر چه شاید برخی عنوان کنند که روند همگرایی در آمریکای لاتین شکست خورده است و پناهندگی مورالس به مکزیک رانیز در همین راستا تحلیل کنند؛ اما نباید این واقعیت را از خاطر دور داشت که روند همگرایی در این منطقه سبب شده تا سازمان‌های منطقه‌ای قدرتمندی در این منطقه شکل بگیرند. در واقع این بخشی از میراث همگرایی در آمریکای لاتین بوده است. در خصوص غرب آسیا باید بگوییم که اگر چه در ظاهر امر تنش‌ها و منازعات در منطقه همچنان وجود داشته است؛ اما از سویی دست پنهان قدرت‌های امپریالیستی را در این منازعات می‌بینیم که سعی در به آشوب کشاندن منطقه دارند و در همین راستا رژیم‌های غیر دموکراتیک حمایت می‌کند. از سویی دیگر امروز می‌بینیم که حل نهایی منازعات در منطقه به دست کشورهای منطقه افتاده است. موضوعی که شاید چند دهه قبل به این راحتی مطرح نبود. بحران سوریه به دست کشورهای منطقه و بدون حضور قدرت‌های غربی به نتیجه رسید و به عبارتی با افزایش پتانسیل منطقه با بازیگری مؤثر ایران، قدرت‌های منطقه قادر هستند مشکلات را خودشان حل کنند.

به نظرم ادبیاتی که در دانشگاه‌های غربی و از جمله کشور خودم در قبال تحولات غرب آسیا به دانشجویان و جوانان عرضه می‌شود، نقص‌های جدی دارد و به عبارتی در تحلیل بسیاری از تحولات ناکام بوده است. به عنوان مثال، این ادبیات در طول چهل سال اخیر در تحلیل انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن شکست خورده است. این ادبیات قادر نیست به ما بگوید چگونه حزب‌الله در برابر افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل پیروز بوده است در حالی که بسیار از قهرمانان عرب مانند جمال عبدالناصر نتوانستند در برابر این رژیم استعمارگر تاب بیآورند و یا اینکه فلسطین و آرمان آزادی بخش آن همچنان پویا و قدرتمند است.

وظیفه جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم، این ایران است که باید وظیفه مهم و سنگین همگرایی در غرب آسیا را به سرانجام برساند. در واقع ایران هسته تمدنی حرکت جدید مقاومت در غرب آسیا است و تاکنون توانسته است ادبیات جدیدی را نه فقط برای منطقه بلکه برای جهان تولید کند. در واقع هدف اصلی قدرت‌های امپریالیستی، تجزیه کشورهای مختلف غرب آسیا است. این نکته را باید در نظر داشت که تجزیه در غرب آسیا فقط در بعد جغرافیایی محدود نمی‌شود بلکه در سایر ابعاد فرهنگی، اقتصادی و علمی نیز مطرح است. به عنوان مثال قدرت‌های غربی، در طول چهل سال اخیر بارها تلاش کرده‌اند تا رابطه میان ایران عراق را به سمت واگرایی بکشانند. جنگ هشت ساله تنها بخشی از این تلاش‌ها بوده است؛ اما امروز ما شاهد این موضوع هستیم که دو کشور روابط مستحکمی را باهم دارند. به نظرم گفتمان مقاومت توانسته پتانسیل‌های متعددی را در منطقه نهادینه کند.

روابط غرب و شرق در قبال تحولات غرب آسیا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

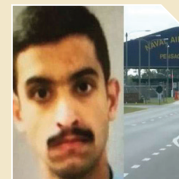
اجازه بدهید کمی عمیق‌تر به رابطه آسیا، اروپا و آمریکا بپردازم. به نظر من آسیا و به ویژه چین تلاش دارد تا روابط مستحکمی را با اروپا ایجاد کند. این روند می‌تواند

بازداشت چند نظامی سعودی در آمریکادر پی تیراندازی مرگبار فلوریدا

در پی تیراندازی مرگبار یک نظامی عربستانی در یکی از پایگاه‌های نیروی دریایی آمریکا در ایالت فلوریدا، مقامات امنیتی آمریکایی چند شهروند سعودی را برای بازجویی بازداشت کرده‌اند.

«محمد سعید شمرا» که از طرف نیروی هوایی عربستان سعودی برای شرکت در یک دوره آموزشی به پایگاه پناکولا اعزام شده بود، روز جمعه (شش دسامبر) سه نفر را به ضرب گلوله کشت و هشت نفر از جمله دو افسر پلیس را زخمی کرد. او خود با شلیک مأموران پلیس گشته شد.

رسانه‌های آمریکا گزارش دادند که حداقل شش نظامی سعودی دیگر که در پایگاه حضور داشتند، بازداشت شده و تحت بازجویی قرار دارند.



می‌پردازند. چرا که به نظر افکار عمومی، این جنگ برای دفاع از خودمان نیست و ما نباید به راحتی برای اهداف قدرت‌های امپریالیستی، امکانات مالی و جانی خود را در اختیار آن‌ها قرار دهیم. یکی از ویژگی‌های کتاب حاضر، قابل فهم بودن آن در میان لایه‌های مختلف مردم و پژوهشگران است و تاکنون واکنش‌های مختلف و خوبی دریافت کرده‌ام.

البته باید به جدال میان هنجارها و حقوق بین‌الملل در برابر پروپاگاندای قدرتهای امپریالیستی اشاره کرد. امروزه شاهد قوت گرفتن بیش از پیش هنجارهای بین‌المللی و قواعد و حقوق بین‌الملل هستیم و به راحتی نمی‌توان این هنجارها را زیر پای نهاد. در سمت مقابل، قدرت‌های امپریالیستی توان رسانه‌های قوی دارند و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا با استفاده از ماسک رسانه‌ای و علمی، ماهیت حقیقی مداخله و سیاست‌های متجاوزانه خود را بیوشانند. مثال این موضوع را می‌توان در تجاوز به عراق در سال ۲۰۰۳ مشاهده کرد. جایی که اثری از سلاح‌های کشتار جمعی نبود و پس از مدتی به محل استقرار گروه‌های تروریستی تبدیل شد؛ اما بوش تحت عنوان شعارهایی نظیر خاورمیانه بزرگ و یانبرد برای خاورمیانه بزرگ، به این کشور تحت عنوان «مداخله بشر دوستانه» و «مبارزه با تروریسم» حمله کرد. لذا نباید انتظار داشت که قدرت‌های امپریالیستی و عوامل آن‌ها در برابر امثال این آثار شکیبایی نشان دهند. در کتاب محور مقاومت بخشی از تلاش‌های من صرف این شده است تا به معرضانه و نادرست بودن روایت‌گری قدرت‌های غربی بپردازم و در بخشی دیگری تلاش کردم تا روایت مورد نظر را ارائه دهم. به عبارتی قدرت‌های امپریالیستی اولین روایت را از طریق امکانات خود می‌سازند و در نبود و یا سرکوب گفتمان رقیب، این روایت‌گری را حاکم می‌کنند، بنابراین به نظرم ابتدا لازم بود تا از طریق مطالعات و حضور میدانی خود ابتدا دروغ‌های روایت‌گری غالب را بر ملا کنم و سپس روایت حقیقی را عرضه کنم.

به نظر تان ادبیات حاضر امپریالیستی چه نقاط ضعفی دارد؟

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل، فقدان ادبیاتی با روایت صحیح از تحولات غرب آسیا و مواجهه قدرت‌های غربی با آن بوده است. مردم من، به ویژه جوانان، مردمی کنجکاو هستند؛ اما متأسفانه آنچه در آکادمی‌های بین‌المللی، به ویژه در استرالیا و آمریکای شمالی تحت روش‌شناسی‌های مختلف به آن‌ها عرضه می‌شود بازخوانی و تولید ادبیات هم‌مونیکی است؛ مواردی از قبیل «دولت‌های شکست خورده» و یا «حمایت از مداخله بشر دوستانه». این ساختار قوام یافته، به پژوهشگران اجازه نمی‌دهد تا خارج از این ادبیات، به راحتی به تولید ادبیات خلاف جریان بپردازند. مطالعه پیرامون محور مقاومت نیز در این دسته قرار می‌گیرد. مثلاً بعد از انتشار کتاب «جنگ کثیف در سوریه» و مطرح کردن موضوعاتی نظیر جهاد، محور مقاومت و ادبیات مرتبط با دیدگاه‌های ضد هم‌مونیکی، حملات شدیدی از سوی رسانه‌ها، نهاد‌های دولتی و برخی شخصیت‌ها متوجه من شد که به شدت از حمایت‌ها و لابی‌های صهیونیستی بهره می‌برند. در واقع حضور صهیونیست‌ها در کشور من بسیار پیچیده است؛ چرا که صهیونیست‌ها در لایه‌های مختلف کشور استرالیا نفوذ کرده‌اند؛ مثلاً برخی از آن‌ها در ظاهر به شدت از حق فلسطینی‌ها دفاع می‌کنند ولی برای شناخت درست آن‌ها کافی است سخن از مقاومت حزب‌الله و یا حماس بیاورید، آن وقت است که می‌توانید ماهیت واقعی آن‌ها را بشناسید.

با توجه به این صحبت‌ها، به نظر تان نگارش این کتاب چقدر می‌تواند مؤثر واقع شود؟

ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که در طول سال‌های اخیر فهم مردم در غرب افزایش یافته است. به عبارتی دیگر، قوه تحلیل انتقادی آن‌ها تقویت شده است. برای مثال، استرالیا در جنگ‌های استعماری و امپریالیستی زیادی شرکت می‌کرد و در مقابل به راحتی می‌توانست مردمش را نسبت به این مشارکت توجیه کند؛ اما در طی سال‌های اخیر شرایط تغییر کرده است؛ مثلاً اگر استرالیا در جنگ عراق و یا سوریه مشارکت می‌کند، مردم از طرق مختلف به بازخواست این تصمیم



این ایران است که باید وظیفه مهم و سنگین همگرایی در غرب آسیا را به سرانجام برساند. در واقع ایران هسته تمدنی حرکت جدید مقاومت در غرب آسیا است و تاکنون توانسته است ادبیات جدیدی را نه فقط برای منطقه بلکه برای جهان تولید کند



رئیس‌جمهور جدید آرژانتین به دنبال حذف حزب‌الله لبنان از لیست سازمان‌های تروریستی پس از آنکه «ماتوریسو ماکری» رئیس‌جمهور ناکام در انتخابات آرژانتین حزب‌الله لبنان را در لیست سازمان‌های تروریستی این کشور قرار داد، پیش‌بینی می‌شود «آلبرتو فرناندز» رئیس‌جمهور جدید این کشور حزب‌الله را از لیست یاد شده خط‌بزند؛ اقدامی که می‌تواند بر برخی کشورهای منطقه نیز تأثیر بگذارد. نامزد احتمالی پست وزارت کشور دولت آرژانتین گفت: افزودن حزب‌الله به لیست سازمان‌های تروریستی به منزله به جان خریدن مشکلی است که نیازی به آن نداریم، این اقدام با اصرار آمریکا انجام شد، تروریسم مشکل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است نه مشکل ما. مطبوعات آرژانتین بر این باورند که این کاندیدا نمی‌تواند چنین اظهارنظری را بدون چراغ سبز رئیس‌جمهور یا کابینه‌اش بگذراند، معاون او بیان کرده‌اند.

در رثای مغز متفکر تسلیحاتی حزب‌الله لبنان، شهید «حسان للقیس»

الهه آخرتی

رستگاری در نیمه شب



و خواه انجام مسئولیت به عنوان تجهیز کننده حزب‌الله لبنان به تجهیزات مدرن. گره خوردن زندگی او با مقاومت، به سالها قبل از در تمانی شهادت بودن باز می‌گشت. به نخستین روزهای ایام جوانی که با یورش صهیونیست‌ها به شهرها و روستاهای جنوب لبنان و به راه افتادن سیل آوارگان لبنانی به سمت دیگر شهرها هم زمان شده بود. آن روزها تمام هم و غم حسان که خود از یکی از خانواده‌های سرشناس و ثروتمند بعلبک بود، این شده بود که با طلبه جوانی به نام سید حسن نصرالله که در آن شهر نزد سید عباس موسوی دروس حوزوی را می‌خواند پشت یک وانت سوار شوند و با گشت زدن در کوچه و خیابان‌های شهر، مردم را به یاری هموطنان آواره شان دعوت کنند. آخر سر هم عمومی خودش آنها را فراخوانده بود و با نوشتن یک برگ چک از آن‌ها خواسته بود تا تمام ملزومات آوارگان از قبیل پتو و چادر و مواد غذایی را تهیه کنند و در صورت نیاز به کمک بیشتر باز به خودش مراجعه کنند. بعد از آن دیگر نه میان حسان و سید حسن و نه میان او و مقاومت جدایی نیفتاد.

طولی نکشید که مسئول تامین سلاح خصوصاً توسعه موشکی حزب‌الله شد. تک تک سلاح‌های روز دنیا را با جزئیات می‌شناخت و از بروشور تازه‌ترین محصولات و فناوری‌های تمام کارخانه‌های اسلحه‌سازی و جنگ افزارهای دنیا، کلکسیون در خانه‌اش درست کرده بود. بروشورها برایش یک بار مصرف بودند. یک روز که بروشور را دست می‌گرفت، تمام اطلاعات با تمام پیچیدگی‌هایش در ذهنش ثبت می‌شد. اسم هر سلاحی می‌آمد تمام ویژگی‌ها، مزیت‌ها و معایبش را می‌شمرد. سر همین موضوع دوستانش به شوخی

گلوله‌هایی که با ممداد روز دوازدهم آذرماه سال ۱۳۹۲ (چهارم دسامبر ۲۰۱۳) یکی بعد از دیگری بر سر و سینه «حاج حسان للقیس» فرود آمدند به حساب خودشان و صاحبان اسلحه‌هایی که از آن‌ها شلیک می‌شدند، آمده بودند تا با بهره گرفتن از تاریکی شبانگاهی پارکینگ خانه‌اش جان او را بگیرند، بی‌خبر از آن که حاج حسان از سال‌ها پیش چشم انتظار رد زخم‌شان بر جسمش و عبور روحش از دروازه شهادت بود.

درست یک ماه قبل از آن شب، حاج حسان برای آخرین بار چشم در چشم رهبرش دوخته و گفته بود: «برای شهادت من هم دعا کنید» و از آقا جواب شنیده بود که «من برای عاقبت بخیری شما دعا می‌کنم». سالها قبل از این دیدار و رویداد شدن این جملات، حاج حسان در جلسه‌ای که طی آن با سید حسن نصرالله و حاج عماد مغنیه خدمت رهبر انقلاب رسیده بود حسابی به چشم آقا آمده بود. آنقدر که در حین ارائه گزارشی به زبان فارسی، آقا به میان آمده و پرسیده بود: شما ایرانی هستید؟ و حاج حسان جواب داده بود: خیر. حضرت آقا هم در جواب، حلاوت تحسینش در قالب جمله «فارسی را خیلی خوب و شیرین صحبت می‌کنید» را با یک لبخند در جان حاج حسان نشانده بود.

نه تنها فارسی حرف زدن، حاج حسان هر کاری را که شروع می‌کرد باید به بهترین شکل و تمام و کمال به سرانجام می‌رساند. خواه تحصیل در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه آمریکایی بیروت بود

تلفن همراه هواپیماهای اسرائیلی به پرواز در آمدند و دفتر را بمب باران کردند و علی رضای هجده ساله به همراه بیست و شش نفر دیگر در همان بمباران به شهادت رسید. این که علی رضا به جای پدر شهید شده بود، بیش تر از اصل شهادت این تازه جوان دل حاج حسان را سوزاند. با این وجود ذره‌ای از اقتدار و وقار پدر در مواجهه با این حادثه کم نشد. برعکس از آن روز به بعد حاج حسان با خیلی‌ها شوخی می‌کرد و می‌گفت: ما هم جزو خانواده شهدا شدیم. اما او ج لطافت روح و احساسات پدرا نه حاج حسان کمتر از شش ماه بعد، در زمان مواجهه با مرگ ناگهانی دختر نوجوانش «آیه» که در یک حادثه از دست رفت، خودش را نشان داد. حالا که پای چشم‌انتظاری دشمن برای نظاره حال و روز خانواده شهدا و نگاه‌های سرزنش آمیز بی‌اعتقادان به مسیر مقاومت در میان نبود، اندوه و تأثر پدرا نه حاج حسان در مواجهه با مصیبت از دست دادن فرزند بهتر مجال ظهور داشت و همگان به چشم دیدند که حاج حسان در مراسم خاک سپاری آیه بدحال شد و از هوش رفت. کسی نبود که از دل‌بستگی شدید او به خانواده و جایگاه خاص دخترانش در خانه نزدا و خبر نداشته باشد.

بعد از شهادت علی رضا داغ آیه، حسرت شهادت جور دیگری بر سینه حاج حسان سنگینی می‌کرد. به همین خاطر اگر چه دوست قدیمی‌اش سید حسن نصرالله بعد از شهادت حاج حسان تلخ گریسته‌ها و از همه خواسته بود تا آن‌ها را تنها بگذارند و دو ساعتی با پیکر هم رزم قدیمی خلوت کرده بود، اما خود حاج حسان که همین یک ماه پیش از شهادت، کلید باز شدن قفل شهادت را در دعای ولی امرش دیده بود، در لحظه به جان خریدن گلوله‌ها و در آغوش کشیدن شهادت و محقق شدن آرزوی قدیمی‌اش در غربت آن بامداد سرد، کوچک ترین حسرتی برای ترک دنیای مادی نداشت.

به او و یکی پدیا می‌گفتند. هدف حاج حسان از آشنایی با این تجهیزات این بود که حزب‌الله را به هر کدام که لازم است مجهز کند. حرف از دستیابی به برخی سلاح‌ها که می‌شد، خیلی‌ها حاج حسان را بلند پرواز می‌دانستند. اما او همیشه ثابت می‌کرد با صبر و پیگیری می‌توان به تمام آنچه نیاز دارند دسترسی پیدا کنند. هر کجا لازم بود و جمع خلاقیت و داشته‌ها اجازه می‌داد، با سوار کردن ابزارهای مختلف روی هم شبیه‌ترین سلاح به یکی از همان تجهیزات پیشرفته را دست و پا می‌کرد. هر کجا هم که نیاز بود اما امکانات و توانایی‌ها اجازه نمی‌داد حتی به قیمت سه بار سفر پنهانی به آمریکا در یک سال، دست نیروهای نظامی حزب‌الله را پر می‌کرد. همین کارهایش باعث شد تا در لیست ترور موساد قرار بگیرد. با این وجود اعتقادی به محافظ نداشت. سیستم امنیتی‌اش را خودش برای خودش تعریف می‌کرد و این سیستم مبتنی بر عادی زیستن مطلق استوار بود. تا آنجا که خیلی وقت‌ها با تاکسی از محل زندگی‌اش به دفتر کارش در ضاحیه جنوبی بیروت می‌رفت و طبیعتاً در لحظه، شهادت رویارویی با تمام خطرات احتمالی را داشت.

شبی که به شهادت رسید، حداقل چهارمین باری بود که هدف جوخه‌های ترور رژیم صهیونیستی قرار می‌گرفت. یکی از این ترورهای ناموفق به قیمت با خاک یکسان شدن خانه‌اش در بعلبک تمام شده بود و دیگری به تلی از خاکستر تبدیل شدن خودرو سواری‌اش. تلخ ترین ترور ناکامش اما به شبی بر می‌گشت که در بجنوبه جنگ سی و سه روزه، بعد از انجام هماهنگی‌های لازم با پسر بزرگش علی رضا که از سنین نوجوانی به عضویت حزب‌الله در آمده و از مسئولان مالی یکی از دفترهای حزب‌الله بود، دفتر کارش را ترک کرد و حدود نیم ساعت بعد وقتی علی رضا تلفن همراه پدر را برای رسیدگی به مسئله‌ای روشن کرد، بلافاصله با ردیابی مختصات

هر کجا که نیاز بود اما امکانات و توانایی‌ها اجازه نمی‌داد حتی به قیمت سه بار سفر پنهانی به آمریکا در یک سال، دست نیروهای نظامی حزب‌الله را پر می‌کرد



گر جستان میزبان کنفرانس «نقش معارف دینی در مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری»
کنفرانس بین‌المللی «نقش معارف دینی در مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری» در شهر تفلیس برگزار می‌شود.
دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری با همکاری رایزنی فرهنگی ایران در گرجستان و اداره مسلمانان گرجستان همزمان با ۱۸ دسامبر روز جهانی مبارزه با خشونت و افراطی‌گری، اقدام به برگزاری کنفرانس بین‌المللی «نقش معارف دینی در مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری» کرده است.
این کنفرانس روز چهارشنبه (۲۷ آذرماه) با حضور رییس آژانس دولتی ادیان گرجستان، فرهیختگانی از کشورهای ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان، داغستان روسیه، علماء، مفتی‌ها، طلاب و امامان جماعات گرجستان در شهر تفلیس برگزار خواهد شد.



«شیخ محمد خجسته» عضو ارشد عضو جمعیت «الوفاق» بحرین در گفتگو با «بیت المقدس»:
داود مازندرانی

سرکوب انقلابیون بحرینی به پشتوانه آمریکا صورت می‌گیرد



نظامیان رژیم آل خلیفه مقابله با انقلابیون بحرینی را وارد فاز تازه‌ای کرده‌اند. طی هفته‌های اخیر شمار زیادی از شهروندان بحرینی بدون تفهیم اتهام و با پرونده‌سازی توسط منامه، بازداشت شدند. جمعیت «الوفاق» بحرین نیز با صدور بیانیه‌ای سلسله اقدامات آل خلیفه در بازداشت انقلابیون را به شدت محکوم کرد. این اقدامات خصمانه آل خلیفه برای انقلاب مردمی در بحرین در حالی صورت می‌پذیرد که این رژیم همراه با متحدانش در منطقه تلاش خود برای نزدیکی به رژیم صهیونیستی را بیش از پیش افزایش داده است. از همین روی، روند عادی‌سازی روابط میان آل خلیفه و دیگر رژیم‌های مرتجع عرب در مقایسه با گذشته پیشرفت محسوسی داشته است. علیرغم این مسأله، مقامات منامه همچنان خود را حامی مسأله فلسطین و ضامن حقوق بشر در منطقه جلوه می‌دهند تا بدین ترتیب، چهره خود را در نزد افکار عمومی تظہیر سازند. در همین ارتباط، خبرنگار «بیت المقدس» گفت و گویی با «شیخ محمد خجسته» عضو ارشد جمعیت «الوفاق» و شورای علمایی بحرین ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد.

آمریکابه سران آل سعود و آل خلیفه به عنوان گاوهای شیرده نگاه می‌کند و این بدان معناست که آن‌ها بدون دریافت مبالغ هنگفت از رژیم‌های عربی هیچ حمایتی از آن‌ها به عمل نمی‌آورند

به ابعاد آن پی برده‌است. در هر صورت، ماعتقد هستیم که چنین سیاست‌های نخنمایی از سوی سران منامه با هدف منحرف ساختن مطالبات مشروع مردمی در بحرین پیاده می‌شود اما قطعاً نمی‌تواند صدای مردم بحرین در فریاد زدن خواسته‌هایشان را خاموش سازد.

ارزیابی شما از نقش کشورهای هم‌پیمان با رژیم آل خلیفه در تشدید سرکوب‌ها علیه شهروندان و انقلابیون بحرینی چیست؟
بدون شک دستگاه‌های خارجی در روند سرکوب مردم بحرین نقش آفرین بوده و هستند. مقامات آل خلیفه از خود اختیاری ندارند و نمی‌توانند کوچکترین تصمیمی را بدون چراغ سبز دستگاه‌های خارجی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا، اتخاذ کنند. بنابراین، واضح است که سرکوب بحرینی‌ها نیز جزئی از خواسته‌های خارجی است که توسط آل خلیفه عملیاتی می‌شود. آمریکایی‌ها مبالغ هنگفتی را از سران رژیم‌های عربی به ویژه رژیم‌های سعودی و آل خلیفه دریافت می‌کنند تا از سلسله سیاست‌های سرکوبگرانه آن‌ها حمایت به عمل آورند. اکنون نیز ایالات متحده آمریکا به سران آل سعود و آل خلیفه به عنوان گاوهای شیرده نگاه می‌کند و این بدان معناست که آن‌ها بدون دریافت مبالغ هنگفت از رژیم‌های عربی هیچ حمایتی از آن‌ها به عمل نمی‌آورند.

همانطور که اشاره کردید رژیم آل خلیفه برای سرپوش نهادن بر سرکوبگری‌های خود علیه شهروندان و انقلابیون بحرینی، جمهوری اسلامی ایران را متهم به مداخله جویی در امور بحرین می‌کند. هدف منامه از این اقدام راجه می‌دانید؟

با کمال تأسف هدف اصلی و اساسی از متهم ساختن ایران به مداخله جویی در بحرین ایجاد موج ایران‌هراسی است. مقامات آل خلیفه و همچنین متحان بین‌المللی آن‌ها مانند آمریکایی‌ها اینگونه به ملت‌ها القاء می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال تسلط بر کشورهای عربی است. تمامی این دروغ‌ها در راستای تشدید موج ایران‌هراسی در منطقه مطرح می‌شوند. سوار شدن آل خلیفه بر روی این موج نیز خواسته ایالات متحده آمریکا است.

فارغ از تحولات بحرین، موضوع دیگری که وجود دارد این است که عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و رژیم‌های مرتجع عرب

ملت‌های شان به کار بسته‌اند و در این مسیر از انجام هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند. پُر واضح است که مواضع ملت‌های جهان عرب با مواضع رژیم‌های شان در قبال مسأله فلسطین کلاماً متفاوت است. ملت‌های جهان اسلام و جهان عرب علیرغم تمامی مشکلات و چالش‌هایی که با آن مواجه هستند، جملگی ایمان دارند که مسأله فلسطین و مسأله قدس مهم‌ترین مسأله جهان اسلام محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، می‌توان به مواضع ملت بحرین در قبال مسأله فلسطین و قدس اشغالی اشاره کرد. ملت بحرین علیرغم تمامی درد و رنج‌هایی که دارد و علیرغم مواجه بودن با شرایط امنیتی خفقان‌آور و سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه، همچنان اعتقاد دارند که مسأله اول جهان اسلام، مسأله فلسطین است. مادر تمامی فعالیت‌های ملت بحرین در طول مناسبت‌های مختلف همواره مسأله فلسطین را حاضر و زنده می‌بینیم.

در حال حاضر نیز تمامی ملت‌ها اعم از شیعه و سنی بر روی مسأله فلسطین و لزوم حمایت از آن اتفاق نظر دارند. مسأله فلسطین در نزد ملت‌ها از حدود و ثغور قومی و طایفه‌ای عبور کرده و مورد اجماع همگان قرار گرفته است. حتی اگر بر سر برخی مسائل در جهان اسلام اختلافاتی وجود داشته باشد، مسأله فلسطین، مسأله‌ای است که هیچ نوع اختلاف نظری در خصوص آن وجود ندارد. بر اساس آنچه گفته شد، سران رژیم‌های عربی زمانی که چنین اراده‌ای را در نزد ملت‌های خود می‌بینند، ناگزیرند حتی به صورت ظاهری خود را حامی مسأله فلسطین جلوه‌دهند و مواضع متناقضی را در این زمینه اتخاذ کنند. این مواضع ظاهری در واقع برای جلب رضایت ملت‌ها اتخاذ می‌شوند. درست به همین دلیل است که می‌بینیم آن‌ها از یک سوی شعارهای عوام‌فریبانه‌ای را در حمایت از فلسطین سر می‌دهند و از سوی دیگر، گام‌های خود برای نزدیکی به رژیم صهیونیستی را روز به روز تسریع می‌کنند.

وارد فاز تازه‌ای شده‌است به گونه‌ای که مقامات برخی از این رژیم‌ها دیگر ایایی از انجام دیدار با مسئولان تل آویو ندارند. ارزیابی شما از این مسأله چیست؟

عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و رژیم‌های عربی حاشیه خلیج فارس از سالیان متمادی گذشته آغاز شده است و اکنون نیز با سرعت بیشتری ادامه می‌یابد. نکته‌ای که در خصوص مسأله عادی‌سازی روابط میان صهیونیست‌ها و رژیم‌های مرتجع عرب حائز اهمیت به نظر می‌رسد این است که این رژیم‌ها در واقع فاقد اراده و اختیار از خود هستند و نمی‌توانند بدون چراغ سبز بیگانگان اقدامی را صورت دهند و یا تصمیمی را اتخاذ کنند. این بدان معناست که سران عربی موظفند تا تصمیماتی را که از سوی استکبار جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا به آن‌ها دیکته می‌شود، اجراء کنند. سران رژیم‌های عربی از خود اختیاری جز عملیاتی ساختن اوامر آمریکان دارند. این آمریکایی‌ها هستند که به سران عرب می‌گویند شما باید روابط خود با اسرائیل را عادی سازید و آن‌ها نیز چاره‌ای جز گوش فرادادن به این دستورات ندارند. لذا اگر امروز شاهد تسریع روند عادی‌سازی روابط میان صهیونیست‌ها و کشورهای عربی هستیم، علت آن دستوراتی است که سران عرب از اربابان خود دریافت کرده‌اند.

نکته‌ای که در مواضع سران عرب بیش از گذشته به چشم می‌خورد، مواضع متناقض آن‌ها در قبال فلسطین است. آن‌ها صراحتاً خود را حامی مسأله فلسطین جلوه‌دهند و در عین حال به تسریع روند عادی‌سازی روابط می‌پردازند. علت این مسأله چیست؟

واقعیت این است که سران رژیم‌های عربی در حال حاضر تمام تلاش خود را برای به حاشیه راندن مواضع



دل شکوفه‌ها

سید سکندر حسینی

خورشید ز دوش قله بالا می‌رفت
موسای کلیم سمت سینا می‌رفت
از دامن این خاک مقدس یک روز
پیوسته دعا به عرش اعلی می‌رفت

با جوشن و عهد و ندبه تلقین می‌کرد
همراه کمیل نیز تمرین می‌کرد
تازنده کند دوباره عاشورا را
یاد از غم و اندوه فلسطین می‌کرد

در قدس که باغ‌های زیتون گل کرد
از نام شهید قطره خون گل کرد
در دامن سینا که بذریلی افشاند
از هر وجبش هزار مجنون گل کرد

روزی که دل شکوفه‌ها خونین شد
یک کوفه و چند کربلا خونین شد
وقتی که گلوی قدس را تیر زدند
محراب مقدس خدا خونین شد

خیلی دور خیلی نزدیک



در حالیکه در چهارمین سالگرد حمله ارتش نیجریه به شیعیان
مظلوم این کشور در شهر زار با قرار داریم، هر روز محدودیت‌های
حکومت نیجریه بر پیروان اهل بیت (ع) بیشتر می‌شود و آخرین
اخبار از انتقال شیخ ابراهیم زکراکی به زندان مرکزی ایالت کادونا
علیرغم وضعیت حاد پزشکی او حکایت دارد.

درچه‌ای برای آگاهی از اسلام در اروپا



به اذعان همه کارشناسان و البته تأیید موسسات مطالعاتی و
نظرسنجی، دین اسلام در میان سایر ادیان بیشترین رشد پیروان
را در اروپا دارد. این اقبال تا آنجا پیش رفته که برخی از احتمال
تأسیس نخستین کشور کاملاً اسلامی در اروپای چند سال آینده
خبر داده‌اند. اما به موازات این گسترش، اقدامات مخرب علیه اسلام
و معرفی آن به عنوان دین خشونت هم افزایش قابل توجهی یافته
است. مسئله‌ای که اقدامات گروه‌های تکفیری هم زمینه بسیار
مناسبی برای پذیرش آن فراهم کرده است.

در چنین شرایطی ضروری است که فعالیت‌های روشنگرانه
مختلفی برای شناساندن اسلام حقیقی و زدودن پیرایه‌ها از چهره
این دین مبین در بین مخاطبان غربی صورت بگیرد.
کانال تلگرامی «مطالعات اسلام و آلمان (اروپا)» از جمله رسانه‌هایی
است که تلاش می‌کند تا اینگونه فعالیت‌ها را بازنشر دهد. آنگونه که
در بخش معرفی این کانال آمده است هدف آن «اطلاع از فعالیت‌های
مسلمانان و پژوهش‌های اسلام شناسان و مراکز و دانشکده‌های
اسلام شناسی» می‌باشد.

البته بخش قابل توجهی از مطالب این کانال به بیان تاریخچه اسلام
در اروپا و سابقه مطالعات اسلامی در این قاره می‌پردازد.

برای دسترسی به کانال مطالعات اسلام و آلمان باید از لینک
https://t.me/islam_studien بهره گرفت.

بررسی اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی



با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، خلأ هویتی ملت‌های
آسیای مرکزی به علاوه بحران‌های سیاسی و فقر اقتصادی،
محیط مناسبی برای رشد اسلام‌گرایی مهیا کرد. «حزب التحریر»
مهم‌ترین گروه اسلام‌گرای آسیای مرکزی دارای پایگاه اجتماعی
بسیار وسیعی است که با پرهیز از خشونت و با استفاده از رهیافت
از پایین به بالا تلاش می‌کند زمینه استقرار خلافت اسلامی را در
منطقه فراهم کند.

شناخت دقیق‌تر این گروه و مقایسه آن با گروه خشونت طلب
«جنبش اسلامی ازبکستان» و ترسیم دورنمای اسلام‌گرایی در
این منطقه، موضوع اصلی کتاب «اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی»
است.

مطالعه این کتاب در شرایط کنونی و در حالیکه گروه‌های تکفیری
از جمله داعش در سوریه و عراق تقریباً ناپدید شده‌اند اولویت پیدا
می‌کند چرا که اکنون مسئله محل ادامه حیات و تداوم فعالیت‌های
مرکزی این گروه‌ها محل بحث کارشناسان است و اگر چه در
رتبه‌های بالاتر کشورهای شمال آفریقا مطرح می‌شوند، اما آسیای
مرکزی هم در گزینش‌های بعدی قرار دارد.

این کتاب توسط «امانوئل کاراجیانس» به نگارش در آمده و از سوی
موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر در ایران
ترجمه و منتشر شده است.

«اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی» در سال ۱۳۹۱ و در ۴۵۶ صفحه
منتشر شده است.

«گلچهره»: تاریخ تصویری یک ملت



کشور افغانستان و مسائل آن، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین همسایگان
ایران که چند میلیون نفر از اتباع آن هم در کشورمان سکونت داشته
و دارای زبان مشترک نیز هستیم، کمتر در کانون توجه هنرمندان و
اهالی رسانه ایران بوده است.

فیلم سینمایی «گلچهره» روایتگر داستان اشرف خان صاحب
سینمای کابل است که پس سقوط دولت کمونیستی نجیب‌الله و
تسلط مجاهدین بر کابل می‌خواهد سینمایش را بازسازی کند اما
یکبار چگی دولت دیری نمی‌پاید و جنگ‌های داخلی بار دیگر از
خرابه‌های کابل سر بر می‌آورد این جنگ به فیلمخانه ملی افغانستان
نیز راه می‌یابد، جایی که تاریخ تصویری یک ملت در آن نهفته است.

نویسنده‌ی، تهیه‌کننده‌ی و کارگردانی گلچهره را «وحید موسائیان»
بر عهده داشته است. مسعود رایگان و لادن مستوفی هم بازیگران
اصلی این فیلم هستند که هر دو هم نامزد دریافت سیمرغ بهترین
بازیگر نقش اول مرد و نقش اول زن از جشنواره فیلم فجر برای این
فیلم شده‌اند. فیلم «گلچهره» حضور موفق در جشنواره‌های
متعدد داشته و جوایزی نیز از جمله جایزه بین‌المللی جشنواره فیلم
فجر، جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره کیش، جایزه بزرگ جشنواره
باتومی گرجستان، جایزه زرین جشنواره جیپور هند، جایزه Remi
پلاتینی برای بهترین فیلم خارجی جشنواره هوستن و جایزه بهترین
فیلم برداری دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوستن را دریافت کرده
است. همچنین این فیلم در نخستین جشنواره فیلم و هنر خاورمیانه
در شهر هلستینکی به نمایش در آمد.